

2539

۵۰۰

۴

۱۹۲

دفتر اسرار (اصلاحی)

کتابخانه

www.kolab.ir

﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ  
رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ  
وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ  
كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾ (۱)

«خداوند بر مؤمنان منت نهاد، هنگامی که در میان آنان پیامبری از خودشان برانگیخت که آیات او را برایشان تلاوت کند و (از هر نوع نقص و آلودگی) پاکشان سازد، و کتاب و حکمت به ایشان بیاموزد؛ هرچند پیش از آن، در گمراهی آشکاری بودند.»

آشنایی

با اسلام مرتبتی اسلام



مؤلف:

سید ابوالحسن حسینی ادیبانی

سرشناسه: حسینی، ابوالحسن.

عنوان و نام پدیدآور: آشنایی با نظام تربیتی اسلام / مؤلف: ابوالحسن حسینی ادیانی.  
مشخصات نشر: [قم]: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۹.  
مشخصات ظاهری: ۱۹۲ ص.

۹۷۸-۹۶۴-۴۷۰-۲۸۱-۵  
ISBN 978 - 964 - 470 - 281 - 5

شابک:

یادداشت: چاپ دوم: بهار ۱۳۹۳.

یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۹۰] - ۱۹۲.

وضوع: اسلام و آموزش و پرورش.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۷۹/۴۲۵ ح / ۱۸ / BP ۲۳۰

رده‌بندی دویی: ۲۹۷ / ۲۸۳۷

شماره کتابشناسی ملی: ۱۳۹۸ - ۷۹ م

## آشنایی با نظام تربیتی اسلام

- |                   |                                      |
|-------------------|--------------------------------------|
| □ مؤلف:           | □ سید ابوالحسن حسینی ادیانی          |
| □ موضوع:          | □ تعلیم و تربیت                      |
| □ قطع:            | □ وزیری                              |
| □ نوبت چاپ:       | □ چهارم                              |
| □ چاپ و نشر:      | □ دفتر انتشارات اسلامی               |
| □ تعداد صفحات:    | □ ۱۹۲                                |
| □ تاریخ انتشار:   | □ بهار ۱۳۹۸                          |
| □ شابک:           | □ ۹۷۸-۹۶۴-۴۷۰-۲۸۱-۵                  |
| □ شمارگان:        | □ ۵۰۰                                |
| □ قیمت:           | □ ۱۵۰۰۰ تومان                        |
| □ نشانی اینترنتی: | □ WWW.EN-ESLAMI.IR info@En-Estami.ir |



عنوان	صفحه
■ مقدمه مؤلف .....	۹
■ بخش اول: تعریف و توضیح مفاهیم تربیتی .....	۱۹ - ۲۰
☆ تعریف تربیت .....	۲۰
☆ موضوع تربیت .....	۲۲
☆ لزوم هماهنگی بین ابعاد تربیت .....	۲۲
☆ زمینه تأثیر تعلیم و تربیت .....	۲۴
■ بخش دوم: ابعاد تربیت اسلامی .....	۲۸ - ۲۹
☆ الف: کلیاتی در تربیت بدنی و سالم سازی بدن .....	۲۹
☆ ۱- رعایت نظافت و بهداشت .....	۳۰
☆ ۲- تغذیه سالم و کافی .....	۳۲
☆ ۳- ورزش و تفریحات سالم .....	۳۵
☆ ۴- تعدیل امیال و غرایز .....	۳۷
☆ ۵- اهداف تربیت بدنی در اسلام .....	۳۹
☆ ب: کلیاتی در تربیت عقلی و فکری .....	۴۵
☆ ۱- رشد طبیعی و فیزیکی عقل .....	۴۶
☆ ۲- رشد اکتسابی عقل .....	۴۷
☆ ۳- اهداف تربیتی اسلام در تربیت عقلی و فکری .....	۵۰

- ☆ ۴- تفکر در اسلام ..... ۵۴
- ☆ ۵- انتخاب علوم لازم و ضروری ..... ۵۶
- ☆ ج: کلیاتی در تربیت اخلاقی ..... ۵۸
- ☆ اهداف اسلام در تربیت اخلاقی ..... ۵۸
- ☆ ۱- قرب وجودی به حق و تخلّق به اخلاق الهی ..... ۵۸
- ☆ ۲- درک و فهم درست ..... ۶۰
- ☆ ۳- تأمین سلامت جسم ..... ۶۱
- ☆ ۴- تعدیل و کنترل غرایز و امیال ..... ۶۲
- بخش سّم: عوامل تربیت از نظر اسلام ..... ۶۴-۶۵
- ☆ الف: عامل وراثت ..... ۶۵
- ☆ ۱- تعریف وراثت و ابعاد آن ..... ۶۵
- ☆ ۲- وراثت چگونه صورت می‌پذیرد؟ ..... ۶۶
- ☆ ۳- وراثت از نگاه اسلام ..... ۶۷
- ☆ ۴- اجداد دور دست و وراثت ..... ۷۰
- ☆ ۵- شرایط همسران شایسته ..... ۷۱
- ☆ اوّل: ایمان، تقوا و دینداری ..... ۷۳
- ☆ دوّم: اخلاق نیکو ..... ۷۴
- ☆ سوّم: زیبایی و شادابی ..... ۷۵
- ☆ چهارم: اصالت و نجابت خانوادگی ..... ۷۶
- ☆ پنجم: پاکی از آلودگیها ..... ۷۷
- ☆ ششم: سلامت عقل ..... ۷۷
- ☆ ب: عامل خانواده ..... ۷۹
- ☆ ۱- مسؤولیت خانواده در تربیت کودک ..... ۸۰
- ☆ ۲- شرایط لازم در یک خانواده ایده‌آل ..... ۸۲
- ☆ ۳- وظائف ویژه مادران ..... ۹۳
- ☆ ۴- مشکل خانواده ..... ۹۴
- ☆ ۵- مشکل بزرگسالان ..... ۹۶
- ☆ ج: عامل مدرسه و آموزشگاه ..... ۹۷

- ☆ ۱- نقش تربیتی آموزشگاه ..... ۹۷
- ☆ ۲- نقش تربیتی معلمان و مربیان ..... ۹۸
- ☆ ۳- وظائف معلمان و مربیان ..... ۹۹
- ☆ د: عامل محیط اجتماعی ..... ۱۰۳
- ☆ ۱- نقش تربیتی محیط ..... ۱۰۳
- ☆ ۲- نقش و اهمیت محیط اجتماعی از نظر اسلام ..... ۱۰۵
- ☆ ۳- نقش دوستان خوب و بد در انسان ..... ۱۰۸
- ☆ ۴- نکاتی در انتخاب دوست ..... ۱۱۱
- بخش چهارم: دوره‌های مختلف تربیت ..... ۱۱۵-۱۱۶
- ☆ الف: دوران جنین ..... ۱۱۶
- ☆ ۱- مراقبتهای غذایی مادر ..... ۱۱۸
- ☆ ۲- مراقبتهای روانی و اخلاقی ..... ۱۲۰
- ☆ ب: دوران شیرخوارگی و تربیت ..... ۱۲۱
- ☆ ۱- سنتهای اسلامی پس از تولد کودک ..... ۱۲۲
- ☆ ۲- نامگذاری و نقش آن در کودک ..... ۱۲۳
- ☆ ۳- پرورش جسم نوزاد ..... ۱۲۵
- ☆ شرایط و وظایف مادری که به کودکشان شیر می‌دهند ..... ۱۲۶
- ☆ ۴- پرورش روح: تغذیه محبت ..... ۱۲۹
- ☆ ج: دوران کودکی ..... ۱۳۰
- ☆ ۱- طول دوران کودکی در انسان ..... ۱۳۰
- ☆ ۲- تغذیه و پرورش جسم کودک ..... ۱۳۲
- ☆ ۳- نقش محبت در پرورش کودک ..... ۱۳۶
- ☆ ۴- پرورش روح دینی و خداگرایی ..... ۱۳۹
- ☆ ۵- پرورش قوای ادراکی و عقلانی ..... ۱۴۳
- ☆ ۶- پرورش ملکات و فضایل اخلاقی ..... ۱۴۴
- ☆ ۷- پرورش عفت و پاکدامنی ..... ۱۴۸
- ☆ ۸- پرورش روح اعتماد و اتکای به نفس ..... ۱۵۱
- ☆ د: دوران نوجوانی ..... ۱۵۳

- ☆ ۱- نقش بلوغ در رشد اندامهای جسمی ..... ۱۵۳
- ☆ ۲- آثار بلوغ در رشد قوای عقلانی ..... ۱۵۶
- ☆ ۳- نقش بلوغ در تمایلات و احساسات عاطفی ..... ۱۵۷
- ☆ ۴- نقش بلوغ در رشد تمایلات مذهبی ..... ۱۵۹
- ☆ ه: دوران جوانی ..... ۱۶۲
- ☆ ۱- ارزش جوانی ..... ۱۶۲
- ☆ ۲- مشکلات دوران جوانی ..... ۱۶۴
- ☆ ۳- جوان و آراستگی ..... ۱۶۹
- ☆ ۴- جوان، عواطف و احساسات ..... ۱۷۳
- ☆ ۵- نقش تربیتی ازدواج ..... ۱۷۶
- ☆ ۶- نقش تربیتی عبادت ..... ۱۷۹
- ☆ ۷- جوان و مسؤولیت‌پذیری و نقش تربیتی کار ..... ۱۸۶
- فهرست منابع و مآخذ ..... ۱۹۰



## ماده مؤلف

انسان در بین موجودات زنده بیش از همه نیازمند به تعلیم و تربیت است و می‌توان این مطلب را از راه مقایسه اجمالی انسان با سایر حیوانات روشن ساخت.

توضیح آنکه: حیوانات و موجودات زنده غیر از انسان، رشد و شکوفایی آنها به صورت تکوینی است، و در پر تو هدایت تکوینی الهی با بهترین نظم و انضباط به راه زندگی و کمال خود می‌روند بدون آنکه نیازی به تعلیم و تربیت خارجی داشته باشند.

اما انسان گرچه یک سری از برنامه‌های زندگی‌های با هدایت تکوینی الهی اداره می‌شود و در آن موارد نیازی به تعلیم و تربیت، و احتیاجی به معلم و مربی ندارد؛ مثلاً، معده در هضم غذا، کبد در کمک به جذب مواد غذایی، و غده‌های پستان در تهیه شیر و... احتیاج به معلم و مربی ندارد. و انسان در بسیاری از فعالیت‌های زندگی در حس گرسنگی و اصل میل به غذا و حس خستگی و اصل میل به خواب و اصل میل جنسی و نیاز به همسر احتیاج به درس خواندن و مدرسه رفتن ندارد، بلکه این واقعیتها را بدون معلم و مربی درک می‌کند، اما در استفاده بهینه از مواد برای برطرف ساختن آن نیازها بسیار زیاد باید کوشش کند و با رنج به آنها برسد برخلاف حیوانات که برابر نیاز غیر قابل تغییر خویش آموزشی نمی‌خواهند و خود به آن دست می‌یابند، البته انسان در یک بعد دیگر نیازمند تعلیم و تربیت می‌باشد و آن بعد معنوی و تکامل اوست چراکه در باطن انسان استعدادها و قابلیت‌های مخصوصی نهفته است که می‌تواند آدمی را از نظر علمی و

ایمانی و اخلاقی به اوج اعلاى انسانیت برساند و او را از هرگونه جهل و نادانی و پلیدی و ناپاکی محفوظ نگاه دارد، و او را به درک نوامیس خلقت و قوانین حاکم بر جهان طبیعت آشنا سازد، بسیاری از نیروهای زمینی و قوانین هستی را در استخدام او درآورد. ولی این سرمایه - عقل و فطرت - در باطن انسان به صورت قابلیت و استعداد است و خود به خود هرگز شکوفا و ظاهر نمی‌شود، فقط در پرتو تعلیم و تربیت آن ذخایر عظیم درونی از قوه به فعلیت می‌آیند و قابل بهره‌برداری می‌گردند.

چنانکه قرآن مجید می‌فرماید:

﴿ وَنَفْسٌ وَمَا سَوَّاهَا \* فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا \* قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا \* وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا \* ١٠١ ﴾

«و سرگند به نفس و آن کس که او را متعادل و منظم بیاراست، سپس خیر و شرش را به او الهام کرد. به تحقیق هر کس که نفس خود را تزکیه کرده، رستگار شده و هر کس آن را با گناه آلوده ساخته، زیانکار شود.»

بنابراین، اهمیت و ضرورت تربیت در ظاهر نمودن کمالات باطنی بشر و به فعلیت درآوردن استعداد های درونی، امری واضح است. و راز طولانی بودن دوران کودکی فرزندان آدم بر سایر حیوانات در همین نکته است.

پس بیداری و تبلور اندیشه‌ها و رشد و شکوفایی سایر روحی و روانی نتیجه مسلم شیوه‌های تربیت است و برای انسان ممکن نیست که در ابتدای از رشته‌ها، صاحب نظر گردد مگر آنکه از عوامل تربیتی همه جانبه و هدفدار برای تحصیل آن رشته برخوردار گردد. در نتیجه تربیت را نمی‌توان گونه‌ای از گونه‌های زیبایی و یا از نوع کمالاتی دانست که بی‌نیازی از آن ممکن باشد، بلکه تربیت، مخصوصاً تربیت عقلی و اخلاقی، از اساسی‌ترین ضروریات زندگی است و در جمیع شؤون زندگی فردی، اجتماعی و نفس مؤثر و مستقیم دارد.

\* \* \*

درباره نقش اساسی تربیت در زندگی فردی و اجتماعی باید گفت: تربیت صحیح یا غلط، درست یا نادرست که انسان در ایام کودکی از خانواده و یا در نوجوانی و جوانی از محیط و اجتماع فرا می‌گیرد در باطنش ذخیره می‌شود و پایه‌ی اساسی شخصیت اخلاقی و اجتماعی او می‌گردد، و همین که رشد می‌نماید و وارد مرحله‌ی فعالیت و عمل می‌شود همه‌ی آنها را به کار می‌گیرد و بر طبق آنچه فرا گرفته است عمل می‌کند.

قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

﴿قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ...﴾ (۱)

«بگو: هر کس طبق روش (و خلق و خوی) خود عمل می‌کند».

آثار مثبت یا منفی تربیت منحصر به برهه‌ای از ایام عمر و زندگی نمی‌شود، بلکه آدمی در تمام دوران زندگی؛ کودکی، جوانی و پیری، حرکات و سکنات و رفتار و کردارش متأثر از تربیت است و از آثار ارزنده‌ی تربیت درست و یا زیان تربیت نادرست بهره‌مند می‌شود. و در روایتی امام صادق علیه السلام در آثار سرنوشت ساز تعلیم و تربیت از قول لقمان می‌فرماید:

«يَا بَنِيَّ اِنْ تَادَّبْتَ صَغِيرًا اِنْتَفَعْتَ بِهِ كَبِيرًا اَمْرًا عَنِّي بِالْاَدَبِ اِهْتَمَّ بِهِ وَمَنْ اِهْتَمَّ بِهِ تَكَلَّفَ عِلْمَهُ وَمَنْ تَكَلَّفَ عِلْمَهُ اِشْتَدَّ لَهُ طَلَبُهُ وَمَنْ اِشْتَدَّ لَهُ طَلَبُهُ اُدْرَكَ بِهِ مَنَفَعَةٌ فَاتَّخَذَهُ غَادَةً...» (۲)

«ای فرزندم! اگر در کودکی ادب آموختی در بزرگی از آن بهره‌مند خواهی شد؛ و کسی که قصد ادب آموزی دارد بر آن همت می‌گمارد؛ و آن کس که همت بگمارد به زحمت فراگیری آن تن در دهد؛ و کسی که به زحمت فراگیری تن در دهد بسبب آن را می‌طلبد؛ و آن کس که جدًّا در راه یافتن آن قدم بردارد به مقصود می‌رسد و به همت آن دست می‌یابد، و آن را خلق و خوی خود قرار می‌دهد».

و نیز می‌فرماید: «اِنْ اُجِلَّتْ فِي عُمْرِكَ يَوْمَيْنِ فَاَجْعَلْ اَحَدَهُمَا لِادَبِكَ لِتَسْتَعِينَ بِهِ عَلٰى

۱ - اسراء / ۸۴.

۲ - بحار الأنوار، ج ۱۳، کتاب النبوة، باب ۱۸، ص ۴۱۹، ح ۱۳.

یَوْمِ مَوْتِكَ...<sup>(۱)</sup>؛ اگر از عمرت فقط دو روز باقی مانده باشد، یک روزش را به فرا گرفتن ادب و تربیت اختصاص بده، تا در روز مرگت از سرمایه‌های اخلاقی آن کمک بگیری». همچنین تربیت غلط و نادرست، مشکلات و دشواریهای فراوانی در تکوین شخصیت انسان بوجود می‌آورد. البته ممکن است بعضی از افراد با زحمت و تلاش زیاد تا اندازه‌ای بتوانند خویشان را با هنجارهای پسندیده جامعه منطبق کنند، ولی اکثر افراد فاقد تربیت، تا پایان عمر از نیل به کمالات انسانی و هماهنگی و همکاری اجتماعی محروم می‌باشند. در مقابل این محرومیت، از خود واکنشهای مختلفی نشان می‌دهند؛ بعضی به انزوا طلبی و طفیلی‌گری عمرشان را سپری می‌کنند، و برخی دیگر به طغیان و عصیان دست می‌زنند و مرتکب جرم و جنایاتی می‌شوند و بعضی، بر اثر فشارهای شدید روحی، سرانجام خود را می‌بازند و اقدام به انتحار و خودکشی می‌کنند.

حضرت علی (علیه السلام) فرماید: «مَنْ لَمْ يُجْهِدْ نَفْسَهُ فِي صِعْرِهِ لَمْ يَنْبُلْ فِي كِبَرِهِ»؛ کسی که در ایام کودکی (و قبل از بلوغ) با خواهشهای نفسانی خویش مجاهده نکرده (و خودش را تربیت نکند) در بزرگی به مقام ارجمند و شایسته‌ای نمی‌رسد.

همچنین تمدن بشری که میراث ادیان آسمانی است توسط پیامبران الهی از طریق وحی از خدا نشأت گرفته<sup>(۲)</sup> و هم میراث اجتماعی است که بشریت در به دست آوردن آن تلاش و فعالیت گسترده‌ای انجام داده و سالها در نگهداری درنگشده آن کوشیده است. این میراث گرانهای دینی، فرهنگی، علمی، صنعتی و... جز به وسیله تربیت صحیح نسلی به نسل دیگر، انتقال نیافته است.

۱ - روضه کافی، ص ۱۳۲، ح ۱۳۲.

۲ - شرح غررالحکم، ج ۵، ص ۲۶۳، ح ۸۲۷۲.

عقل و حس را سوی بی‌سوءگباست  
جز پذیرای فن و محتاج نیست  
لیک صاحب وحی تعلیمش دهد  
اول او لیک عقل آن را فزود

۳ - این نجوم و طب وحی انبیاست  
عقل جزوی عقل استخراج نیست  
قابل تعلیم و فهمست این خرد  
جمله حرفتها یقین از وحی بود

(مثنوی، دفتر چهارم، ص ۲۳۶).

چون تربیت، عامل انتقال اندوخته‌های فکری در رشته‌های مختلف علوم و فلسفه و ارزشهای والای انسانی از نسلی به نسل دیگر می‌باشد، انتقال دانش بشری در رشته‌های مختلف علمی مستلزم تربیت افرادی در این رشته‌هاست.

امروزه حاکمیت بخشیدن به اسلام در جوامع مختلف بشری و اجرای همه‌جانبه قوانین و احکام آن و نجات مسلمین از غربزدگی و شرق‌گرایی، مستلزم داشتن یک برنامه صحیح تربیتی بر اساس الگوها و ارزشهای اسلام، و ارائه آن است، تا نسلی به‌طور کامل بر طبق معیارهای تربیتی اسلام ساخته و پرداخته شود. نسلی که در جمیع شؤون متأثر از اسلام باشد تا بتواند رسالت عظیم مکتبی خود را به منزل برساند و اسلام را به عنوان یک مکتب نجات بخش و قابل اجرا و مطابق با واقعیت‌های عینی زندگی به دنیا معرفی نماید. و اگر مسأله تربیت را رها کنیم، انقلاب اسلامی در محیطی کوچک و زمانی اندک محدود خواهد شد و از بقیه اجتماعات و افراد به دور خواهد ماند، و چون این امر ادامه یابد و تبلیغ و نشر اسلام به وسیله نسل‌های تربیت یافته صورت نگیرد و انقلاب به اهدافش نرسد، دیری نخواهد پایید که انقلاب به وسیله افراد بیگانه از فرهنگ و تربیت اسلامی، نابود خواهد شد.



همچنین دربارهٔ تربیت علمی بجای تربیت دینی باید گفت: دین<sup>(۱)</sup> نیرومندترین عاملی است که می‌تواند انسان را با اعتقاد به خدا، روز قیامت، حساب و کیفر و پاداش... تربیت کند، و افراد را با تقوا و خویش‌نهادن و با عدالت و انصاف و امین و درستکار و با وجدان تربیت کند؛ و دین مهمترین بازدارنده و نگاهدارندهٔ انسان از کژیها و انحرافات اخلاقی و عملی است.

دین غرایز و امیال انسان را در جهت صحیح هدایت می‌نماید، و خواسته‌ها و

۱ - البتّه مراد از دین، دین حَقّه الهی و منزّه از تحریف است، که می‌تواند دارای آثار زیاد شده باشد، که آن دین مقدّس اسلام است نه ادیان باطله بشری و یا ادیان تحریف شده که فاقد خصیصه تأثیرگذاری و تغییر و تحوّل در بشر هستند.

تمایلات انسانی را اصلاح نموده و نفوس را پاکیزه و آنها را از سقوط و نابودی در منجلاب ماده پرستی و مفسد اخلاقی می‌رهاند. اگر دین در نفس انسان پایگاه استواری بیابد، قوه‌ای بیم دهنده در او به ودیعت می‌گذارد، که او را در پر تگاههای نابودی حفظ می‌کند، و کارهای نیک را به او الهام می‌نماید، لذا قرآن کریم یکی از اهداف بعثت انبیا را تربیت و تزکیه نفوس بیان می‌کند:

﴿ هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴾<sup>(۱)</sup> «اوست خدایی که از میان اُمّیین و در س با خوانده‌ها، پیامبری بزرگوار از همان مردم برانگیخت تا بر آنان آیات الهی را تلاوت کند و آنها را (از جهل و اخلاق زشت) پاک سازد و به آنها شریعت آسمانی و حکمت الهی بیاموزد، هرچند که آنها پیش از این در جهالت و گمراهی آشکاری بودند»

شکی نیست که امور چون علم و فرهنگ و وجدان اخلاقی، مراقبتهای نیروهای انتظامی، در کنترل انسان و تربیت و پرورش انسانهای متکی به نفس و وظیفه‌شناس و با وجدان، نقش مؤثری دارند ولی هیچ‌گاه نمی‌توانند جای تربیت دینی را بگیرند، و انسان را از تربیت دینی بی‌نیاز سازند.

بعضی از دانشمندان غربی در اوایل قرن نوزدهم، جایگزینی تربیت علمی را به جای تربیت دینی پیشنهاد دادند و گفتند: ما اگر انسانها را با معارف علمی تربیت کنیم، می‌توانیم انسانهای متمدن و وظیفه‌شناس و با فرهنگ و با وجدان تحویل جامعه بدهیم و نیازی به تربیت دینی و اعتقاد به خدا و قیامت و... نداریم.

«زیگموند فروید» از جمله کسانی است که فرضیه جایگزینی تربیت علمی را به جای تربیت دینی مطرح کرده است او با اینکه از طرفی اعتراف دارد که مذهب به مقدار قابل ملاحظه‌ای در مهار کردن غرایز و تمایلات نفسانی پیروز شده، چنین می‌گوید:

«خوب است یک تعلیم و تربیت غیرمذهبی مورد آزمایش قرار گیرد، مردم عادت

داده شوند از این تسلی صرف نظر کنند و برای آنکه به تنهایی و با اتکای به نفس در مقابل خطرها و دلوپسیها ایستادگی نمایند، این پناهگاه را ترک گویند»<sup>(۱)</sup>.

او با مشاهده به ظاهر و ظیفه شناسیهای مردم کشورهای اروپایی که بر اثر آموزش و پرورش نوین بوجود آمده بود، تصوّر می کرد که مردم مغرب زمین، انسانهای واقعی شده اند و واجد سجایای انسانی و ملکات اخلاقی گشته اند، ولی طولی نکشید که کشتار بی رحمانه جنگ جهانی اول او را از این اشتباه فکری بیدار کرد و در حدود شصت سالگی اندیشه او تحوّلی پیدا کرد زیرا که او از دورتر و بالاتر به مسائلی که تا آن وقت از نظر علمی به آنها نگاه می کرد؛ توجه نمود.

فرویدر سال ۱۹۱۶ م چنین گفته است: «مشاهده اعمالی که با تصوّر ما از زندگی مدنی مطابقت ندارند و در نتیجه این اعمال سبعانه، جهانیان را مجرم و تبهکار می بینم ما را غرق اندوه و نومیدی در دنیاکی ساخته است ولی این یأس و اندوه در حقیقت موجه نیست، زیرا ما به این جهت مردم جهان را فعلاً پست و منحط می شماریم که قبل از جنگ به غلط خیال می کردیم که در سطح اخلاقی و معنوی بالاتری قرار دارند»<sup>(۲)</sup>.

این در حالی است که او جنایات مهیب تر هیتلر و قتل عامهای آمریکا و انفجار بمب اتمی ژاپن را در جنگ جهانی دوم مشاهده نکرده است. البته وضع کنونی دنیا در قتل عامها و جنایات و سقوط در منجلاب فساد و فحشاء فراوان شدن ارزشها و کرامتهای والای انسانی به مراتب اسفبارتر از صد سال پیش است. و همین علمی و فرهنگی توانسته است که انسانها را به آرزوی دیرینشان برساند چنانکه الکسیس کارل می گوید:

«تردیدی نیست که تمدن عصر ما نتوانسته است آرزوهای بزرگ بشری را برآورده سازد و این تمدن در پرورش افرادی که برای نگهداری و تقویت آن در جهت تأمین مصالح عمومی جامعه و بقای هستی مفید باشد، کوتاهی کرده است و بسیریت را به سرایشب سقوط و اضمحلال نزدیک تر ساخته است»<sup>(۳)</sup>.

۲ - اندیشه های فروید، ص ۱۰۰ و ۱۱۷.

۱ - اندیشه های فروید، ص ۹۷.

۳ - به نقل از: اسلام و تعلیم و تربیت، ص ۲۳.

از آن زمانی که روح منع کننده و بازدارنده دینی در جهان کم رنگ شد علم در راه نادرست به کار گرفته شد. و مشکلی اساسی برای بشریت به ارمغان آورد.

اساساً از علم توقع هدایت بشر به سوی کمال، توقعی نامناسب است. چون علوم و فنون ابزاری هستند دو جانبه؛ هم در راه نابودی به کار می روند و هم در راه آبادی و سازندگی. و به قول کارل میننگر: (۱)

«علم یک غلام حلقه به گوش است به فرمان جنگ، آدمیان را به خاک هلاک می اندازد، و به دستور طب، آنان را از مرگ و نیستی رهایی می بخشد، سیل آتش را از توپها جاری می سازد، و یا برعکس، آتش تب را تخفیف می دهد؛ پلهای عظیم به وجود می آورد و یا آنکه آنها را با خاک یکسان می سازد؛ انسان در پرتو علم هم می تواند راحتی و تکلیف خویش را تأمین کند و هم بر اثر علم از هر دو قسمت محروم گردد؛ این غلام حلقه به گوش حتی می تواند فرمانروای خود را نابود سازد...» (۲)

بنابراین، علم با همه تواناییهایی که به انسان در مرحله عمل داده است، و او را بر قوا و عوامل طبیعت حاکم قرار داده، ولی از تربیت انسان کامل و شایسته عاجز و ناتوان است؛ و این امر تنها از عهده دین بر می آید.

و این مسأله در مبحث مراحل تربیت - دوره جوانی - بحث نقش دین در کنترل غرایز و احساسات، با استدلال بیان خواهد شد.

نکته ای که در تربیت دینی توجه به آن لازم است اینکه تربیت دینی باید هماهنگ با مقتضیات زمان باشد، چون آداب و رسوم اجتماعی هر زمان به منزله برنامه عملی و خط مشی زندگی مردم آن زمان است. و هر فردی با بکار بستن آن برنامه ها می تواند به شایستگی با مردم زندگی کرده و خویشان را با مقتضیات زمانش منطبق سازد؛ پس مربیان تربیتی باید افراد را با شرایط محیط و زمانشان تربیت کنند نه با شرایط و مقتضیات زمانهای گذشته.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «لَا تَقْسِرُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى آدَابِكُمْ فَإِنَّهُمْ مَخْلُوقُونَ لِزَمَانٍ



غَيْرَ زَمَانِكُمْ<sup>(۱)</sup>؛ آداب و رسوم زمان خودتان را با زور و فشار به فرزندان خویش تحمیل نکنید؛ زیرا آنان برای زمانی غیر از زمان شما آفریده شده‌اند».

با توجه به این نکته می‌توان از روشهای علمی در تربیت دینی استفاده کرد. و بین هردو جمع نمود. که از طرفی تربیت افراد بر اساس معیارهای دینی و مذهبی باشد و از طرف دیگر مطابق با مقتضیات زمان و مکان، که علم مطرح نموده است، باشد.<sup>(۲)</sup>

عن ابی عبدالله علیه السلام قال فی حکمة آل داود علیهم السلام: «علی الغافل ان یکون غارفاً بزمانه مُقبلاً علی شأنه خافِظاً للسان»<sup>(۳)</sup>؛ حضرت صادق علیه السلام فرمود: از مطالب حکیمانه داوود علی نبی و آله و علیهم السلام این است که: انسان عاقل موظف است که زمان خود را بشناسد و با توجه به زمان خویش به وظایفش روی بیاورد و همواره نگهبان زبان خویشتن باشد.

و در حدیث دیگری فرمود: «... اَلْغَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللُّوَابِسُ...»<sup>(۴)</sup>؛ کسی که عالم به مقتضیات زمان خود باشد، مورد هجوم اشتباهات قرار نمی‌گیرد».

البته باید توجه داشت که مبادا به نام مقتضیات زمان، اصول ارزشی اخلاقی را که ادیان الهی آورده‌اند و مردم را به کسب و تحصیل آنها دعوت نموده‌اند، کنار گذاشت و به جای آنها یک سری آداب مبتذل به نام مند و پسند جامعه را جایگزین کرد، زیرا که اصول اخلاقی و ارزشی مثل قوانین تکوینی میرقابل تغییرند و آنچه ممکن است در عصر و زمان تغییر کند، کیفیت اجرا و بهره‌برداری از آنهاست.

سید ابوالحسن حسینی ادیانی

زمستان ۱۳۷۷

۱- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲۰، حکمت ۱۰۲، ص ۲۶۷.

۲- زیرا هرچند ادیان الهی هزاران سال پیش آمده‌اند، ولی با تغییر شرایط تربیتی و کیفیت آموزش و تربیت و ابزارها، کهنه نمی‌شوند و تغییر نمی‌کنند. اصول و کلیات و محتوا ثابت است، تنها ابزار و کیفیت اجرا ممکن است بر طبق شرایط زمان و مکان تغییر کند.

۳- بحار الأنوار، ج ۱۴، کتاب النبوة، باب ۳، ص ۳۹، ح ۲۰.

۴- تحف العقول، ص ۳۵۶، الحیاة، ج ۲، ص ۲۴۸.